

ساخت و اعتبار یابی مقیاس اندازه گیری الگوی سخت تربیتی والدین

یوسف پیرموردی^{*}، مهناز مهرابی زاده هنرمند^{*} و یوسفعلی عطاری^{*}

چکیده

هدف از این تحقیق ساخت و اعتبار یابی مقیاسی برای اندازه گیری الگوی سخت تربیتی والدین است. اعتبار محتوایی مقیاس بر اساس ارزیابی دو نفر متخصص از مواد مقیاس و با توجه به معیارهای سنجش محاسبه گردیده است. نتایج نشان می دهد که مقیاس از اعتبار محتوایی قابل قبولی برخوردار است همچنین برای اندازه گیری پایایی مقیاس از روشهای تنصیف و آلفای کرونباخ استفاده گردیده و نتایج نشان داده است که مقیاس از پایایی قابل قبولی نیز برخوردار است. جامعه آماری پژوهش کلیه دانش آموزان پسر سوم راهنمایی شهر اهواز بود که از بین آنان ۴۰۰ نفر به صورت تصادفی چند مرحله ای انتخاب گردیده است. بررسی ها نشان داده است که بین نمره های کل مقیاس الگوی تربیتی والدین و نمرات مقیاسهای عزت نفس کوپر اسمیت و خود- اثر بخشی تعمیم یافته رابطه منفی معنی داری وجود دارد، بین نمرات الگوی سخت تربیتی پدر و الگوی سخت تربیتی مادر و نمرات مقیاس اضطراب آشکار و پنهان اسپیل برگر رابطه مثبت معنی داری وجود دارد، بین نمرات الگوی سخت تربیتی مادر و نمرات جایگاه مهار درونی- بیرونی راتر رابطه منفی معنی داری وجود دارد، اما بین الگوی سخت تربیتی پدر و جایگاه مهار راتر رابطه معنی داری وجود ندارد.

کلید واژه ها: الگوی سخت تربیتی، عزت نفس، خود اثر بخشی، خود پایی، تمرکز بر خود

● مقدمه

روشهای تربیتی در سیر زمان تغییرات بسیاری نموده است، هر یک از الگوهای فرزند پروری مبتنی بر یک دیدگاه نظری در مورد ماهیت انسان بوده است که بطور خلاصه شامل سه گروه عمده به شرح زیر است:

الف- دیدگاههای نظری که انسان را موجودی شروری می پنداشتند و انسان را متمایل به شر و عوامل ناپسند می دانستند.

ب- گروه دیگری که ماهیت انسان را مثبت تلقی می کردند و گرایشات انسان را در جهت تعالی و تکامل می دانستند.

ج- گروه آخر آن دسته از نظریات بوده است که انسان را موجودی خنثی می دانستند و بر این باور بودندند اند که ماهیت انسان توسط محیط و عوامل پیرامونی ساخته می شود.

همچنین با توجه به تغییرات اجتماعی و نیاز جامعه به انسانهای کامل و سازگار این ضرورت احساس می شود که فرایندهای تربیتی بطور جدی تری مورد بحث و بررسی قرار بگیرد و تبعات الگوهای تربیتی مختلف مورد مطالعه قرار بگیرد تا با آگاهی بیشتر در فرایند تربیت مداخله نمود.

عوامل موثر بر ایجاد تفاوت‌های فردی محیط و وراثت می باشد. از آنجاییکه وراثت عاملی است که نمی تواند پس از پیدایش، تغییر یافته و دستکاری گردد. همچنین در صورت وجود امکان تغییر در ساختار ژنتیکی این موضوع با محدودیتهای اخلاقی بسیاری همراه است، لذا عامل تربیت که در هر زمان و در هر مرحله ای از رشد می تواند موثر بوده و تغییر داده شود لازم است مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

متغیرهای شخصیتی بطور معنی داری بوسیله شیوه فرزند پروری قابل پیش بینی است (سو^۱ و همکاران، ۱۹۷۹). کلدر^۲ و لوچمن^۳ (۱۹۹۷) اظهار می دارند که الگویی سخت

^۱-Su

^۲-Colder

^۳-Lochman

تربیتی والدین با نشانه شناسی اختلالات روانی دوره کودکی رابطه دارد. شیوه فرزند پروری، تعارضات خانوادگی، خود پنداره ضعیف والدین، عدم وجود عواطف گرم بین والدین و رقابت خواهر و برادرها با سلامت روانی رابطه دارد (زیار کوسکی^۱ و یوگینو سز^۲ ۱۹۸۴). بین والدین کودکان مبتلا به اختلال هراس تمایل بیشتری به استفاده از الگوی سخت تربیتی وجود دارد (اوکی^۳، فوجی هارا^۴ و کیتامورا^۵، ۱۹۹۴). الگوی سخت تربیتی والدین، با نشانه شناسی اختلالات روانی دوره کودکی رابطه دارد (کلدر و لوچمن، ۱۹۹۷). واگنر^۶ و کوهن^۷ (۱۹۹۴) در یک تحقیق نشان دادند که الگوی سخت تربیتی والدین با تصمیم نوجوانان برای اقدام به خودکشی رابطه وجود دارد.

سامپسون^۸ و لوئوب^۹ (۱۹۹۴) دریافتند، میزان استفاده از تهدید و وجود بی نظمی در خانواده نوجوانان بزهکار نسبت به گروه نوجوانان غیر بزهکار بطور معنی داری بیشتر است. تعاملهای منفی مکرر بین معلم و دانش آموز به طوری که نشانه ای از یک الگوی سخت باشد، می تواند باعث گرایش نوجوانان به گروههای بزهکاری برای کسب پذیرش شود (اسپنسر^{۱۰}، ۱۹۷۷). نظریه یادگیری اجتماعی نیز این چنین پیشنهاد می کند که بکار بردن تنبیه می تواند مشوق رفتارهای مرتبط با بزهکاری شود. مطالعات زیادی نشانگر این نکته است که الگوی سخت تربیتی والدین و کودکان را به سمت بزهکاری، خشونت و جنایت سوق می دهد (فارینگتون^{۱۱}، ۱۹۹۱).

^۱ -Ziarkowki

^۲ -Eugeniusz

^۳ -Aoki

^۴ -Fujihara

^۵ -Kitamura

^۶ -Wagner

^۷ -Cohen

^۸ -Sampson

^۹ -Laub

^{۱۰} -Spencer

^{۱۱} -Farrington

کودکانی که در سن سه سالگی تحت الگوی سخت تربیتی بوده اند، مشکلات رفتاری بیشتری را در سنین ۶ تا ۹ و ۱۳ سالگی نشان می دهند و رفتارهای ضد اجتماعی بیشتری داشته و همچنین در برابر تغییر رفتار مقاومت بیشتری را نشان می دهند (بوکانن^۷ و فارینگتون، ۱۹۹۷). در یک بررسی تحلیلی از تحقیقات انجام شده، نشان داده شد که بزرگترین عوامل در ارتکاب جنایت توسط نوجوانان عملکرد سیستمهای آموزشی، کنترل والدین و میزان نفوذ گروه همسالان می باشد (TFEB^۸، ۲۰۰۱).

تحقیقات عصب شناسی انجام شده بتازگی نشان داده است، کودکانی که در محیطهای دارای استرس شدید، بی توجهی، افسردگی مزمن والدین، کودک آزاری پرورش می یابند ساختار مغزی آنها، دستخوش تغییرات دائمی می گردد (هاسکینگ^۹، ۲۰۰۱). در هنگام تولد نزدیک به یکصد میلیارد سلول مغزی با پنجاه میلیارد سیناپس در مغز وجود دارد، این تعداد در حدود سن سه سالگی به طور قابل ملاحظه ای افزایش می یابد و به حدود هزار تریون افزایش می یابد. این تغییر به حدی زیاد است که نمی تواند تنها تحت تاثیر عامل ژنتیک باشد (شور^{۱۰}، ۱۹۹۷) و احتمالاً بخشی از سیناپسها تحت تاثیر تجارب محیطی فرد- الگوی تربیتی - ایجاد شده اند (هاسکینگ، ۲۰۰۱). لازم به ذکر است که برای تغییرات ساختاری در سیستم عصبی مرکزی معمولاً دوره های معینی وجود دارد. به طور مثال در کرتکس بینایی بیشترین تغییرات از سه ماهگی تا حدود دو سالگی روی می دهد (هاسکینگ، ۲۰۰۱).

تحقیقات اسمیت^۱ و بروکز^۲ (۱۹۷۹) نشان داده است که پسران در مقایسه با دختران الگوی سخت تربیتی بیشتری را تجربه می کنند. اما دختران در مقایسه با پسران دو برابر

^۷ -Buchanan

^۸ -The Free Essay Bank = TFEB

^۹ -Hasking

^{۱۰} -Shure

^۱ -Smith

^۲ -Brooks

الگوی سخت تربیتی آسیب پذیرتر هستند. اما در همه موارد فقر خانواده پیش بین مناسبی برای استفاده از الگوی سخت توسط والدین می باشد.

در تحقیقات انجام شده توسط اسمیت و بروکز (۱۹۹۷) و سامپسون و لونوب، (۱۹۹۴) و واگنر، کوهن (۱۹۹۴) و آوکی، فوجی هارا و کیتامورا (۱۹۹۴)، برای سنجش الگوی سخت تربیتی از روش مشاهده توسط یک مشاهده گر یا گزارش فردی^۲ استفاده شده است. از طرفی، مطالعات نشان می دهد که در تبیین یک رفتار از طریق مشاهده علمی و منظم توسط مشاهده گر حرفه ای امکان پذیر است اما مشاهده کوتاه مدت (مثلا ۲ ساعت) برای ارزشیابی در مورد یک خصیصه امری دشوار است و حال اگر قرار باشد در نمونه ای بزرگ این عمل انجام پذیرد پیدا کردن افراد متخصص به اندازه ای که بتواند در همان مدت کوتاه به سنجش و ارزیابی خصیصه پردازد نیز دشوار یا غیر ممکن خواهد بود. با توجه به این محدودیت، پژوهشگر بر اساس تعریف معینی از "الگوی سخت تربیتی" برای سنجش و اندازه گیری الگوی سخت تربیتی والدین بر اساس نگرش و طرز تلقی فرزندان به ساخت و اعتباریابی مقیاسی به همین منظور اقدام کرده است.

الگوی سخت تربیتی نوعی خاص از روابط والد- فرزند است که والدین هشیارانه و یا ناهشیارانه با طرد نمودن، عدم داشتن عواطف گرم، انجام رفتارهای خشونت آمیز از قبیل تنبیه بدنی و اهانت، عزت نفس و منابع مربوط به آن (توجه غیر مشروط، محدودیت، آزادی، فضای روانی، احترام) در فرزند خود را مورد تهدید قرار می دهند (اقتباس از کوپر اسمیت ۱۹۷۶ و هورنای^۳ ۱۳۴۸).

^۲ -Self report

^۳ -Karen Horney

● روش

یکی از معتبرترین روشهای تهیه و ساخت هر مقیاس استفاده از روش کرنباخ است (دلاور، ۱۳۷۶). پژوهشگر برای ساخت مقیاس ابتدا از این روش اقدام کرد اما انجام این روش میسر نگردید. ابتدا با استفاده از متون و منابع مختلف فارسی و لاتین در زمینه الگوی تربیتی در دو مقوله الگوی سخت تربیتی پدر و مادر در دو پیش نویس تهیه شد که تعداد مواد مقیاس مربوط به الگوی سخت تربیتی پدر ۸۳ و الگوی سخت تربیتی مادر ۷۷ ماده، مجموعاً ۱۶۰ ماده بود.

سپس سیاهه به چند متخصص علوم تربیتی و روانشناسی جهت ارزیابی و تصحیح ساختار دستوری و محتوایی مقیاس ارائه شد که تصحیحات لازم را در این زمینه انجام دهند. در مرحله بعد فرم اصلاح شده توسط یک متخصص روان سنجی مورد ارزیابی، تصحیح و ویرایش فنی شد. سپس فرم نهایی مقیاس به دو نفر متخصص داده شد، از نظر ابعاد روانسنجی و محتوایی مورد ارزیابی و رتبه بندی قرار دهند. لازم به ذکر است که در مورد محتوا به دو صورت ارزیابی صورت گرفت، اول بر اساس میزان توانایی هر ماده در سنجش میزان آسیب رسانی به مقولات و منابع عزت نفس - بر اساس کوپر اسمیت (۱۹۷۶) و دیگری بر اساس میزان آسیب رسانی به منبعی از عزت نفس که ماده در آن مقوله طراحی شده بود.

سپس با استفاده از روش آماری اسپیرمن، همبستگی بین رتبه های داده شده توسط دو متخصص محاسبه گردید که خلاصه نتایج آن در جدول ۲ نشان داده شده است و بطوریکه ملاحظه می شود مقیاس از اعتبار محتوایی بالایی برخوردار است و همسانی درونی مقیاس با محاسبه همبستگی نمره هر ماده با سایر مواد و رابطه آن با نمره کل آزمون فرد مورد محاسبه قرار گرفت. لازم به ذکر است برای ارزیابی همبستگی های بدست آمده در این

روش معیار عددی مشخصی وجود ندارد اما اصولاً باید همبستگی بین نمره کل و هر ماده مثبت باشد و همبستگی بین مواد باید پایین باشد. اما از آنجاییکه مواد آزمون جنبه های مختلف یک خصیصه را مورد ارزیابی سنجش قرار می دهند و این جنبه ها معمولاً با یکدیگر دارای رابطه مثبت هستند اصولاً دستیابی به همبستگی بسیار پایین یا منفی دشوار خواهد بود. بطوریکه یافته های مربوط به همسانی درونی مقیاس ۳ و ۴ نشان می دهند همسانی درونی مقیاس به طور کلی مناسب می باشد جدول ۲. یافته های مربوط به اعتبار محتوا با روش اسپیرمن

A	B
۰/۴	۰/۰۵

سرانجام همبستگی بین نمرات افراد در این مقیاس با مقیاسهای منبعث از نظریه های شناختی و نظریه یادگیری- اجتماعی پرداخت و در همین راستا به محاسبه همبستگی نمرات کسب شده توسط آزمودنیها در مقیاس الگوی سخت تربیتی و مقیاسهای عزت نفس کوپر اسمیت، خود اثر بخشی تعمیم یافته، جایگاه مهار درونی و بیرونی راتر و خودپایی اشنايدر اقدام شد که نتایج آن در جدول ۵ نشان داده شده است.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان پسر پایه تحصیلی سوم راهنمایی شهر اهواز تشکیل می دهند. در این تحقیق، نمونه گیری به صورت تصادفی چند مرحله ای انجام گردید. تعداد نمونه ۴۰۰ نفر دانش آموزان پسر پایه تحصیلی سوم راهنمایی است که به روش تصادفی نسبتی چند مرحله ای انتخاب شده اند. اطلاعات مربوط به جامعه و نمونه در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱- مشخصات نمونه و جامعه مرجع

ردیف	تعداد	میانگین	انحراف معیار	گروه اول			گروه دوم			
				تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار	
۱	۲۸۶۸	۲۴۰۸	۱۰۰	۲	۴۵	۵۵	-	۱۴،۹۹	۱۷،۰۵	۱۳
۲	۳۵۹۵	۳۱،۰۰	۱۲۴	۳	۵۶	۲۵	۴۳	۱۴،۹۹	۱۷	۱۳
۳	۳۶۲۵	۳۱،۳۰	۱۲۵	۳	۲۵	۵۶	۴۴	۱۴،۸۳	۱۷	۱۳
۴	۱۴۹۲	۱۲،۹۰	۵۱	۱	۵۱	-	-	۱۴،۲۵	۱۷	۱۳
۵	۱۱۵۸۰	۱۰۰	۴۰۰	۹	۱۷۷	۱۳۶	۸۷	۱۴،۸۷	۱۷	۱۳

ابزار گردآوری اطلاعات

مقیاس عزت نفس کوپر اسمیت: کوپر اسمیت (۱۹۶۷) مقیاس عزت نفس را بر اساس تجدید نظری که روی مقیاس راجرز^۱ و دیموند^۲ (۱۹۵۴، به نقل از براتی ۱۳۷۵) انجام داد، تهیه و تدوین کرد. این مقیاس دارای ۵۸ ماده خود گزارشی و مداد کاغذی است که ۸ ماده دروغ سنج می باشند و ۵۰ ماده دیگر آن عزت نفس را می سنجد. شیوه نمره گذاری این مقیاس به صورت صفر و یک می باشد. بنابراین، حداقل نمره ای که یک فرد ممکن است بگیرد صفر و حداکثر نمره وی ۵۰ خواهد بود. کوپر اسمیت (۱۹۶۷) ضریب بازآزمایی ۸۸٪ را بعد از ۵ هفته و ضریب بازآزمایی ۷۰٪ را سه سال بعد از آزمون بدست آوردند.

^۱ -Rogere, C.R.

^۲ -Dymond, R.

مقیاس خود اثر بخشی تعمیم یافته^۲: مقیاس توسط شرر^۳ و آدامز (۱۹۸۲)، نقل از براتی (۱۳۷۵) به منظور تعیین سطوح متفاوت خود اثر بخشی عمومی افراد ساخته شده است. نسخه اصلی آزمون شامل ۳۶ ماده بود که بر اساس تحلیلهای انجام شده فقط ماده هایی که بار عاملی ۰.۴۰٪ را در هر یک از عوامل اجتماعی و عمومی داشتند حذف نشدند. بر این اساس، ۱۳ ماده که دارای این ویژگی نبودند حذف و آزمون به ۲۳ ماده کاهش یافت. از این ۲۳ ماده ۱۷ ماده خود اثر بخشی عمومی را می سنجد. در این تحقیق از مدل عمومی یا هفده ماده استفاده شد. شیوه نمره گذاری پرسشنامه خود اثر بخشی به این صورت است که هر ماده از ۱ تا ۵ امتیاز به خود اختصاص می دهد. ضریب پایایی از طریق روش آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس خود اثر بخشی عمومی و خرده مقیاس خود اثر بخشی اجتماعی به ترتیب برابر با ۰.۸۶٪ و ۰.۷۱٪ گزارش شده است. برای سنجش اعتبار سازه ای مقیاس خود اثر بخشی، امتیازات بدست آمده توسط آن با اندازه گیری چندین ویژگی شخصیت همبسته شد. بر اساس بررسی انجام شده همبستگی منفی متوسطی بین نمرات خود اثر بخشی و نمرات مقیاس کنترل درونی- بیرونی راتر، همبستگی مثبت متوسطی بین مقیاس درجه تمایل اجتماعی کراون- مارلو و مقیاس خود اثر بخشی بدست آمد.

مقیاس خود پایایی: اشنایدر^۴ (۱۹۷۴) همزمان با ارائه نظریه خود پایایی، یک مقیاس ۲۵ ماده ای برای سنجش خود پایایی، ارائه نمود. پاسخدهی به این آزمون به صورت گزینه های درست و نادرست به منزله تایید یا عدم تایید مضمون هر یک از ماده ها در مورد آزمودنی می باشد. این آزمون یک نمره بدست می دهد که به عنوان نمره فرد در پیوستار خود پایایی در نظر گرفته می شود. شیوه نمره گذاری به صورت صفر و یک می باشد.

^۲ -Generalized Self- Efficacy

^۳ -Sherer, M.

^۴ -Snyder, M.

اشنایدر برای بررسی اعتبار این آزمون آن را با چند بعد شخصیتی از جمله برونگرایی و توانایی در هنرپیشگی همبسته کرده است و گزارش داده است که این مقیاس دارای اعتبار درونی قابل ملاحظه است. برای بررسی پایایی، از روش بازآزمایی استفاده شده و پایایی این مقیاس مناسب گزارش شده است (اشنایدر، ۱۹۷۴).

مقیاس جایگاه مهار درونی- بیرونی راتر^۲: این مقیاس دارای ۲۹ ماده است که از دو جمله تشکیل می شود، هر جفت با حروف الف و ب مشخص شده اند. ۶ ماده از این آزمون، ماده های خنثی هستند و نمره ای به آنها تعلق نمی گیرد و جایگاه مهار توسط ۲۳ جفت جمله سنجیده می شود. هر چه نمره کسب شده توسط فرد به ۲۳ نزدیکتر باشد بیانگر بیرونی بودن کنترل و بر عکس هر چه نمره فرد از ۲۳ کمتر باشد نمایانگر درونی بودن آن است. روش نمره گذاری این آزمون به صورت صفر و یک است. در مطالعات زیادی پایایی مقیاس مهار درونی- بیرونی راتر به روش بازآزمایی محاسبه شده است. راتر (۱۹۶۶) میزان آنها را بین ۰/۴۹ تا ۰/۸۳ گزارش داده است.

مقیاس اضطراب آشکار و پنهان اشپیل برگر: این آزمون شامل چهار ماده می باشد که در دو مقیاس اضطراب آشکار و پنهان برای سنجش اضطراب بکار برده می شوند. این مقیاس قابل اجرا به دو صورت گروهی و فردی است و اجرا آن فاقد محدودیت زمانی می باشد اما معمولاً دانشجویان برای تکمیل هر یک از خرده مقیاسها به شش دقیقه وقت احتیاج دارند که برای تکمیل کلی مقیاس بطور متوسط ده دقیقه وقت لازم است. حداکثر نمره در هر یک از خرده مقیاسها ۸۰ و حداقل آن ۲۰ می باشد و برای کل مقیاس حداکثر نمره ۱۶۰ و حداقل آن ۴۰ خواهد بود. ضریب پایایی مقیاس اضطراب آشکار ۰/۹۱ و اضطراب پنهان ۰/۹۰ و برای کل مقیاس ۰/۹۴ محاسبه شده است (مهرام، ۱۳۷۲).

از آنجاییکه در تعریف الگوی سخت تربیتی، برای تهیه این مقیاس از عامل یا عواملی که منابع عزت نفس را مورد تهدید قرار می دهند استفاده شده است و این منابع بر اساس کوپراسمیت (۱۹۷۶) راجرز و دیموند (۱۹۵۴، نقل از براتی ۱۳۷۵). که برای تهیه و ساخت مقیاس عزت نفس کوپراسمیت بکار رفته بود، در نظر گرفته شده بود لذا وجود همبستگی منفی بین این دو مقیاس شاخص مناسبی برای اعتبار این مقیاس تلقی می گردد.

همچنین بطوریکه مطالعات نشان داده است (مثلا استفان^۱ و روزنفیلد^۲ ۱۹۷۸، فلیپ^۳ و برانداستاتر^۴ ۱۹۷۶، فرانکن^۵ ۱۹۹۸) عزت نفس با الگوی فرزند پروری ارتباط دارد و یکی از خاستگاه های عزت نفس ارزشهای والدین می باشد (فرانکن^۵، ۱۹۹۸) و یافته های جدول ۵ نشانگر همبستگی منفی معنی دار بین نمرات مقیاس الگوی سخت تربیتی و عزت نفس کوپراسمیت می باشد و نشان دهنده اعتبار بالا مقیاس می باشد.

با توجه به تعاریف عزت نفس و خود اثر بخشی و همپوشانی آنها در زمینه ارزیابی فرد از خود و همچنین وجود زمینه های خود اثر بخشی در تعاملات کودک و والدین و مبتنی بودن خود اثر بخشی بر انتظارات والدین (ریو، ۱۳۷۶) پیش بینی می شد که بین الگوی سخت تربیتی و این مولفه ارتباط منفی وجود داشته باشد که به همین دلیل بعنوان شاخصی جهت تعیین اعتبار مقیاس در نظر گرفته شد که یافته های جدول ۵ نیز این پیش بینی را مورد تایید قرار داده است.

مطالعات نشان داده است که فرزندان مادران غیر پرخاشگر و مهربان غیر مضطرب ارزیابی می شوند (ریچی^۶، ۱۹۸۲) همچنین یافته ها نشان می دهد پسرانی که تحت الگوی تربیتی بودند واجد ترس و اضطراب زیادی بودند که منجر به بروز رفتارهای پرخاشگرانه

^۱-Stephen, W.

^۲-Resen Fieled, D.

^۳-Filip, S.

^۴-Brandtstadter, J.

^۵-Franken, R.C.

^۶-Ritchie, J.

در آنها می شود (کلدر^۶، لچمن^۸، ولز^۹؛ ۱۹۹۷). از سوی دیگر بین عزت نفس و اضطراب به عنوان یک مولفه بیولوژیکی نیز پیوند منفی وجود دارد (فرانکن و پرپیچ^{۱۰}، ۱۹۹۶) بنابر دلایل فوق همبستگی با مقیاس اضطراب اشپیل برگر که در تعیین میزان اضطراب دارای اعتبار بالایی است مورد محاسبه قرار گرفت و یافته های جدول ۵ نشان می دهد که نمرات مقیاس الگوی سخت تربیتی با مقیاس اضطراب اشپیل برگر همبستگی مثبت معنی داری دارد.

بین شیوه فرزندپروری و مرکز مهار فرزندان رابطه وجود دارد (سو وهمکاران، ۱۹۷۹). به طوریکه یافته های جدول ۵ نشان می دهد بین نمرات مقیاس الگوی سخت تربیتی مادر و نمرات افراد در مقیاس راتر رابطه منفی معنی داری وجود دارد اما در مقیاس الگوی سخت تربیتی پدر رابطه ای ملاحظه نشده است اما نوع رابطه در هر دو مقیاس منفی است و این نیز شاخص دیگری در تفسیر مقیاس الگوی سخت تربیتی می باشد.

از آنجائیکه بین عزت نفس و خودپایی رابطه مثبت وجود دارد و افراد دارای خودپایی بالا از عزت نفس بالایی نیز برخوردارند (بایر و بارون، ۱۹۹۶) وجود رابطه منفی معنی داری بین دو مقیاس الگوی سخت تربیتی و خودپایی اگر چه این مقدار همبستگی معنی داری نیز نبوده است صرفاً جهت همبستگی می تواند نشانه ای دال بر مقیاس الگوی سخت تربیتی والدین تلقی شود.

۶-Colder, C.R.

۸-Lochman, J.E.

۹-Wells, K.C.

۱۰-Perpich, W.

جدول ۵- همبستگی بین مقیاس الگوی سخت تربیتی والدین با مقیاسهای کوپر اسمیت، خوداثر بخشی کلی، خودپایی اشنایدر و جایگاه مهار درونی و بیرونی را تر

cor	-.۰/۴۴	-.۰/۱۷	-.۰/۰۷	-.۰/۰۴	۰/۴۵
P	۰/۰۰۱	۰/۰۱	۰/۲۵	۰/۴۶	۰/۰۰۱
N	۳۱۷	۳۱۹	۳۱۴	۳۱۹	۳۱۷
Cor	-.۰/۵	-.۰/۲۶	-.۰/۱۱	-.۰/۰۹	۰/۵
P	۰/۰۰۱	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۰۰۱
N	۳۱۵	۳۱۴	۳۰۹	۳۱۴	۳۱۲

برای محاسبه ضریب پایایی این مقیاس از روشهای تنصیف و آلفای کرنباخ استفاده شد. بطوریکه نتایج آن در جدول ۶ نشان می دهد، پایایی آزمون در هر دو روش بالا برآورده شده است. جدول شماره ۷ نیز مربوط به یافته های توصیفی مربوط به مقیاس الگوی سخت تربیتی والدین و مقایسه آن با سایر مقیاسهای مورد در این آزمون می باشد.

روش نمره گذاری مقیاس: فرم نهایی آزمون دارای ۲۵ ماده در هر دو مقیاس مربوط به پدر و مادر است. پاسخهای هر ماده به صورت چهار گزینه ای با ارزش مساوی است. نمرات هر ماده ارزش صفر تا ۳ را شامل می شود. صفر نمایانگر فقدان خصیصه و ۳ نمایانگر بیشترین حد خصیصه است. بدینوسیله آزمون از یک نمره صفر قراردادی برخوردار است اما باید توجه داشت مقدار صفر به هیچ وجه نشانه فقدان واقعی خصیصه یعنی صفر مطلق نمی باشد. حداکثر نمره ای که می توان در این آزمون کسب نمود ۷۵ است.

نمره گذاری گزینه ای مواد آزمون در مواد ۱، ۸، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۴، ۲۵ از راست به چپ به ترتیب ۰، ۱، ۲، ۳ می باشد و در سایر مواد عکس آن می باشد.

● بحث و نتیجه گیری

در این تحقیق مفهوم الگوی سخت تربیتی به طور کلی براساس نظریات کارن هورنای (۱۳۴۸) راجرز (۱۹۵۱) و کوپر اسمیت (۱۹۶۷) تنظیم شده است. با توجه به جدول شماره ۵، وجود همبستگی بالا بین نمرات افراد در مقیاس الگوی سخت تربیتی و عزت نفس کوپر اسمیت، نشانگر اعتبار بالای مقیاس می باشد، از طرفی وجود پیوند بین دو مفهوم عزت نفس و خود اثربخشی بر اساس تعاریف این دو مفهوم و یافته های تحقیقات متعدد، همبستگی بالا بین دو مقیاس خود اثربخشی و الگوی سخت تربیتی دلیل بالا بودن اعتبار این آزمون می باشد. در تحققات انجام شده نشان داده شده است که اضطراب با عزت نفس و خود اثربخشی رابطه منفی دارد (فرانکن و پرپیچ، ۱۹۹۶).

جدول ۶- پایایی مقیاس الگوی سخت تربیتی والدین

روشن آماری	آلفای کرونباخ	تصنیف
پدر	۰/۸۹	۰/۹۱
مادر	۰/۸۱	۰/۸۳

از طرفی بر اساس تعاریف ارائه شده از الگوی سخت تربیتی، این مفهوم بطور مثبت با یکدیگر پیوند دارند، لذا وجود همبستگی مثبت بالا بین نمرات مقیاس اضطراب آشکار و پنهان اسپیل برگر^۱ و مقیاس الگوی سخت تربیتی با توجه به اعتبار بالای مقیاس اسپیل برگر

می توان گفت مقیاس الگوی سخت تربیتی از اعتبار بالایی برخوردار است. این آزمون با مقیاس جایگاه مهار درونی - بیرونی راتر در خرده مقیاس مربوط به مادر رابطه معنی داری را نشان می دهد و این یافته با توجه به تحقیقات انجام شده در این زمینه که نشانگر وجود رابطه مثبت معنی دار بین تمرکز بر خود و خود اثربخشی و عزت نفس است، نشانگر اعتبار این مقیاس می باشد.

جدول ۷- یافته های توصیفی متغیر

متغیر	الگوی سخت تربیتی مادر	الگوی سخت تربیتی پدر	عزت نفس	خود اتر بخشی	تمرکز بر خود	خود یابی	اضطراب
تعداد	۳۲۲	۳۱۷	۳۲۱	۳۲۰	۳۱۴	۳۲۲	۳۱۸
انحراف معیار	۸/۸۵	۹/۸۸	۸/۸۶	۸/۲۸	۳/۶۱	۳/۰۷	۱۸/۴۵
میانگین	۱۸/۰۶	۲۱/۲	۳۳/۸۴	۵۹/۱۰	۱۵/۶۱	۱۱/۶۵	۳۹/۲۸

اما به طوری که ملاحظه شد بین مقیاس الگوی سخت تربیتی پدر و مقیاس راتر رابطه معنی داری وجود ندارد اما جهت رابطه - یعنی وجود رابطه منفی - با یافته های تحقیقات دیگر هماهنگی دارد.

یافته های جداول ۳ و ۴ نشان می دهد این مقیاس از همسانی درونی بالایی برخوردار است. یافته های جدول ۲ نشان می دهد این مقیاس دارای اعتبار محتوایی مناسبی است، و از آنجائیکه در ارزیابی انجام شده توسط متخصصین ملاک توافق با هنجارهای اجتماعی کشورمان (ایران) نیز در نظر گرفته شده است، این مقیاس در دانش آموزان دوره راهنمایی هنجار بود و برای به کارگیری آن در این دوره تحصیلی کارآمد می باشد.

پایایی این مقیاس با استفاده از روش های آلفای کربناخ و تصنیف محاسبه شده که یافته های مربوط به آن در جدول شماره ۶ نشان دهنده پایایی این مقیاس می باشد.

منابع

- هورنای کارن (۱۳۴۸). *عصبیت و رشد آدمی* - ترجمه م. ج مصفا، چاپ دوم.
- براتی بختیاری، سیامک (۱۳۷۵). بررسی رابطه ساده و چندگانه متغیرهای خوداثربخشی، عزت نفس، خودپایی با عملکرد تحصیلی در دانش آموزان سال سوم دبیرستان نظام جدید. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه جندی شاپور اهواز.
- مهرام، بهروز (۱۳۷۲). راهنمای آزمون اضطراب آشکار و پنهان اسپیل برگر، دانشگاه علوم و تربیتی و روانشناسی فردوسی مشهد.
- ریو، مارشال. انگیزش و هیجان، یحیی سید محمدی - تهران نشر و ویرایش ۱۳۷۶.
- دلاور، علی (۱۳۷۴). مبانی نظری و علمی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی، انتشارات رشد. شماره ۱۳۶۶.
- Aoki, Y; Fujihara, S; Kitamura - T (۱۹۹۴). Panic attack and panic disorder in Japanese nonpatient population epidemiology and psychosocial coraelates. J- Affect - Disord. Sep; ۳۲(۱): ۵۱-۹.
 - Buchanan, A; Farington, D. P. F. (۱۹۹۷). Strategies and Yield of Iongitudinal studies on antisocial behavior. In D. M. stoff et al. (eds) Handbook of Anatisocial Behavior. Witty, New York.
 - Byrne, Donn; Born - Robert - A (۱۹۹۶). Social psychology,
 - Eighth edition, Allyn and Bacon. Pp ۱۵۲-۱۹۱.
 - Colder, CR; Lochman - JE Wells - KC.(۱۹۹۷) The moderating effects of children, s fear and activitiy level on relations between parenting practices and childhood

symptomology, J. Abnorml – child – Psychol. Jun; ۲۵ (۳):
۲۵۱-۲۶۳.

- Cooper Smith (۱۹۷۶). The antecedents of self – esteem. Francisco, W. H. Freeman.
- Cooper Smith, S. (۱۹۶۷). The antecedents of self – esteem. Sanfrancisco: W. H. Freeman.
- Farington, D. P. F. (۱۹۹۱). Childhood aggression and adult violence: early precursors and later life outcomes. In D. J. pepler and KH. Rubin (eds). The development and treatment of childhood aggression. Erlbaum: HIV scale. NJ. PP. ۵-۲۹.
- Filipp, S. H.; Brandtstadter, J. (۱۹۷۶). Relationship between parental child rearing practices, zeitschift, fur, Entwick Lungpsychologic, und, pdagogische, psychologic. Vol ۷(۱) ۳۸-۵۲.
- Franken R. E.; perpich, W.(۱۹۹۶) Dislike of competition and the need to worth. Self image concerns, performance concerns and the distraction of attention. Journal of behavior and personality, ۱۱, ۶۴۵-۷۱۲.
- Franken Robert – E(۱۹۹۸). Human Motiviation, fourth edition, Brooks, PP. ۳۶۵-۳۹۰.
- Hasking, G.(۲۰۰۱). Nursery crime. Journal of Relationa Justice.
- Ritchie, J.(۱۹۸۲). Child rearing practices and attitude of working and fulltime mother. Women studies, International; Vol. S, ۴۱۹-۴۲۵.
- Rogers(۱۹۵۱) Client centered therapy. Its current practices

- implications, and theory. Boston. Houghton Miffling Rogers, ۱۹۵۹. A theory of Personality, and interpersonal relationships, as developed in the client central frame work. Ins. Koch(e, d.),
- psychology. Conceptual and systematic, Vol. ۳, formulations of the person and the social context, (PP. ۱۸۴-۲۵۶).
- Rogers, C. R.(۱۹۵۱). Client-centered therapy: Its current practice, implications, and theory. Boston: Houghton Mifflin.
- Rotter, J. B.(۱۹۶۶). Generalize expectancies for internal versus external control of reinforcement. Psychological monograph, ۸۰, ۱-۲۸.
- Sampson, RJ; Laub JH(۱۹۹۴). Urban poverty and family context of delinquency: A new look at structure and process in a classic study, child- Dev Apr; ۶۵: ۵۲۳-۵۴۰.
- Shore, R.(۱۹۹۷). Rethinking the brain: New insight in to early development. The families and institute: New York.
- Smith, JR; Brooks – Gunn – Y(۱۹۹۷). Correlates and consequences of harsh discipline for young children. Arch – Pediatr – Adoles – Med. ۱۹۹۷ Aug; ۱۵۱(۸): ۷۷۷-۸۶.
- Snyder, M. (۱۹۷۴). The self-monitoring of expressive behavior. Journal of personality and social psychology, ۳۰, ۵۲۹-۵۳۷.
- Spencer, Gordon, L. (۱۹۷۷). How school contribute to delinquency. Youth Authority Quarterly. Department of the Youth Authority Sacramento. Vol. ۳۰#۱, Spring, P ۲۴.

- Stephan, Walter, G.; Rosenfield, D. (۱۹۷۸). Effects of Desegregation on racial attitudes. Journal of personality and social psychology. Aug. Vol. ۳۶(۸) ۷۹۵-۸۰۴.
- Su, Chien- Wen; Hwang, - Chien- Hou; Lv, Ching- Ming, Chen, Shoo- May (۱۹۹۴). Parent- child relations and personality development of Chinese school children; Bolletine- of- Educational- psychology; Jun vol ۱۲, ۱۹۵- ۲۱۲.
- Wagner- BM; Cohen- P (۱۹۹۴). Adolescent sibling differences in suicidal symptoms, the role of parent – child relationships. J. Abnormal – child – psychol Jun, ۲۲(۳): ۳۲۱-۳۳۷.
- Ziarkowski, Eugeniusz (۱۹۸۴). Mental diseases as seen by the country, Smalltown, and urban population. Studia – Sociologiczne; No ۴(۹۵) ۱۸۵-۲۰۲.



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی